

## غزل‌هایی برای شهدا



■ علیرضا قزوه  
■ شاعر انقلاب

«علیرضا قزوه» از غزل‌سرایان دهه ۶۰ به حساب می‌آید. بیشتر شهرت او در دهه ۶۰ با دفتر شعر «از نخلستان تا خیابان» و روح اعتراضی این اشعار رقم خورد. از قزوه حدود ۴۰ کتاب شعر، نقد، سفرنامه، نثر و تحقیق به چاپ رسیده است. غزل‌های او در سال‌های پایانی جنگ و بیشتر به یاد شهدا سروده شده است. همچنین دوبیتی‌ها و رباعی‌های او در فاصله سال‌های ۶۲ تا ۶۵، دربرگیرنده مضامینی چون غم، غریبی، انتظار و آرزو هستند.

## شاعری در میدان جنگ



■ عبدالجبار کاکایی  
■ شاعر دفاع مقدس

«عبدالجبار کاکایی» شاعر دفاع مقدس است و جنگ را درک کرده است. او می‌تواند شعر جنگ بسراید، بی‌آنکه شعرش تصنعی شود. کاکایی ۹ ماه در جبهه‌های دفاع مقدس حضور داشت؛ اوایل سال ۶۱ تا دی‌ماه همان سال. او در پایگاه کشاورزی منطقه‌ای مهران می‌جنگید و زنده بودن و ملموس بودن شعر او را می‌توان در این دانست که جنگ را تجربه کرده است.

## به سبک مولانا



■ احمد عزیزی  
■ شاعر عرفانی

زنده‌یاد «احمد عزیزی» شعرها و نثرهای متعددی دارد. او همچنین آثاری در قالب شطح دارد که در میان ادیبان فارسی کمتر به آن پرداخته شده است. از آثار او می‌توان به کفش‌های مکاشفه، شر جی آواز، ملکوت تلکم و باغ تناسخ اشاره کرد. از جمله ویژگی‌های شعر عزیزی، زبان خاص شعری او است که ضمن تأثیرپذیری از تصویرپردازی‌های بدیل، مولوی گونه اشعار خویش را آمیخته با عرفان و سماع‌وار می‌سرد.

کتاب این نویسنده است. قزایی در این باره می‌گوید: «از آنجا که دیدم در این سال‌ها کار جدی در مورد اشعار این مرحوم انجام نمی‌شود، گزیده و خلاصه‌ای از اشعار این شاعر را در کتاب «شمع بیت‌المال را خاموش کن» گردآوری کردم. در این کتاب در یک مقدمه مفصل به شعر، اندیشه آقاسی و خاطرات خود از اشعار این شاعر پرداختم و عنوان «تبغ بیرون از نیام» را در پیشانی مقدمه آن گذاشتم. البته در این مقدمه، از گفت‌وگویی که حاج حسین بهزاد با محمدرضا آقاسی داشته و بعداً به‌عنوان زندگی‌نامه توسط خود شاعر به چاپ رسیده است، استفاده کرده‌ام. با این حال، معتقدم هنوز حرف‌های زیادی می‌توان از این مرد برای نسل دهه ۹۰ و حتی قرن بعد داشت. او آدمی است که در رگ‌های شعرش خون حماسه جاری است. تقریباً بیشتر اشعاری را که در این کتاب آورده‌ام، مردم می‌خوانند؛ به‌ویژه شیعه‌نامه‌اش که آقاسی با آن معروف شد و حاج صادق آهنگران هم آن را خواند: ساقی امشب باده از بالا بریز / باده از خم‌خانه مولا بریز».

## خاموشی خالق «خبر آمد خبری در راه است»

شاعر و مثنوی‌سرای اهل بیت عصمت و طهارت پس از یک دوره بیماری، در ۴۶ سالگی در بامداد سه‌شنبه سوم خردادماه ماه ۸۴، به علت عارضه قلبی در مرکز تخصصی قلب تهران دار فانی را وداع گفت. پیکر وی پنج‌مخ خردادماه از مقابل معراج‌الشهدای تهران تشییع و در قطعه ۲۵ شهیدان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. این اتفاق به‌قدری برای جامعه هنر دینی اهمیت داشت که رهبر انقلاب اسلامی نیز در پیامی درگذشت او را تسلیت گفتند.



کتر کسی را می‌توان یافت که دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شعرخوانی‌های پرشور او را نشنیده باشد. مردم، مخاطب اصلی شعرهای او بودند. او سطح زبان شعر را در عین حفظ اصالت، تا سطح درک مخاطب عام خود پایین آورد

## جذب حداکثری با شعر آیینی

شعرهای او دارای مضامین شیعی و بعضاً نقدهای اجتماعی بود. تأثیر آقاسی بر شعر آیینی کشور انکارنشدنی است. شعری که تلاش دارد با استفاده از زبانی ساده و در عین حال، با پشتوانه‌ای دینی و با استفاده از منابع اصیل شیعه، با مخاطب عام ارتباط برقرار کند. کمتر کسی را می‌توان یافت که دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شعرخوانی‌های پرشور او را نشنیده باشد. مردم، مخاطب اصلی شعرهای او بودند. او سطح زبان شعر را در عین حفظ اصالت، تا سطح درک مخاطب عام خود پایین آورد اما از محتوای آن کم نکرد. مشکلی که امروزه میان شعرهای آیینی به‌بهانه جذب حداکثری در هیئات، کم‌وبیش دیده می‌شود. اما آقاسی چه تأثیری بر شعر آیینی زمانه خود گذاشت؟ به‌اعتقاد برخی از کارشناسان این حوزه، تأثیر آقاسی در زمینه شعر، توفیق او در جذب حداکثری با مدد سروده‌هایی است که از اصالت خود خارج نشده و به رسالت خود پای‌بند بودند. شعرهای آقاسی در عین سادگی، مفاهیم ارزشمند دین و مذهب را به مخاطب منتقل می‌کردند. سادگی و صمیمیت و در عین حال، حفظ محتوا، دو بال هم‌رديف در شعرهای آقاسی است که با آن مخاطبان از هر دسته و قشری جذب اشعارش می‌شدند.

## آخرین اثر آقاسی در بازار نشر

چندی است گزیده اشعار آقاسی با عنوان «شمع بیت‌المال را خاموش کن»، با مقدمه و انتخاب دکتر حسین قزایی از سوی نشر شهید کاظمی به چاپ رسیده است. «شمع بیت‌المال را خاموش کن» دوازدهمین

## آقاسی در نظر صاحبان قلم

«مصطفی محدثی خراسانی، نویسنده: آقاسی به‌طورکلی پدیده‌ای در شعر معاصر و گردونه شعر انقلاب بود که مسیری را آغاز کرد و زمانه به وی مجال داد که مختص به او بود؛ البته بعد از وی عده‌ای آمدند که این راه را ادامه دهند و کارهایی کردند ولی آن شور و شعور و هیئت مختص به آقاسی بود. عده‌ای فکر می‌کنند که آقاسی در مسیر شاعرانگی به این سمت کشیده شده است ولی من ایمان دارم که آقاسی آگاهانه و هوشمندانه در این مسیر قدم نهاد و احساس می‌کرد این رسالت وی است.

«بهروز قزلباش، شاعر و روزنامه‌نگار: آقاسی سطح مخاطبان شعر عاشورایی را بالا برد و این نوع کار باید علاوه بر اینکه حفظ می‌شود، ارتقا نیز داده شود. زبان آقاسی یک زبان ساده، بی‌پیرایه و سهل است که این استراتژی ادبی وی است. این به معنای آن نیست که نمی‌توانسته با زبان پیچیده شعر بگوید ولی وی برای رشد مخاطب یک پله پایین رفت تا بتواند جامعه را بالا بیاورد و این نهایی است که باید از آن محافظت کرد.

«عبدالجبار کاکایی، شاعر و ترانه‌سرا: خیلی از شاعران هم‌عصر از احمد عزیزی پیروی کرده و تأثیر پذیرفته‌اند. مثلاً مرحوم آقاسی به‌نوعی تربیت‌یافته مکتب عزیزی بود. به‌ویژه این در مثنوی‌ها خیلی مشهود است. آقاسی ارادت خاصی به احمد داشت، ارادت شاگرد استادی، منتهی آقاسی شاعر مردمی‌تری بود که به هیات‌های مذهبی می‌رفت. همین باعث شده بود که شعرش در میان مردم عادی بیشتر معروف باشد و تکرار شود. شاید اگر احمد هم در محافل مذهبی شعرهای اش را می‌خواند، خیلی بیشتر از الان شناخته شده بود. هر دو شاعر، ارادتمند خاندان نبوی بودند، به همین دلیل من فکر می‌کنم که بیشترین تأثیرپذیری باید در حوزه ساختار و لفظ باشد، نه محتوا. هر دو یک دغدغه را داشتند، اما شکل بیان آنها فرق می‌کرد. شعر احمد در این حوزه لطیف‌تر بود، رفتاری صوفیانه‌تر داشت و همین نگاه صوفیانه، شعرش را لطیف‌تر و جذاب‌تر می‌کرد. بیشترین تأثیرگذاری احمد بر آقاسی، در زیبایی‌های لفظی بود، اما به دلیل تفاوت در محیط اجرا، مورد اقبال عامه مردم قرار نگرفت. هر جایی که می‌توانست با کلمات بازی می‌کرد.

«یوسفعلی میرشکاک، شاعر، نویسنده و طنزپرداز: «هرمان آته» شرق‌شناس آلمانی می‌گوید: اگر ایرانی‌ها جز خاقانی شاعری نمی‌داشتند، برای برابری با تمام ادبیات اروپا، فقط او کافی بود. آخر خاقانی نه سر پیاز شاعری است، نه ته پیاز شاعری. در ادبیات ما شاعر حتماً باید سخنی داشته باشد برای مردم. این سخن حالا گیریم غیر قابل درک باشد یا به قولی، حتی نهیلیستی باشد اگر بشود خیام را نهیلیست دانست که من این را قبول ندارم که خیام شاعر نهیلیستی است. اما اگر شما بروید توی خیلی از روستاها می‌بینید که می‌گویند: «این کوزه چو من عاشق زاری بوده است / در بند سر زلف نگاری بوده است / این دسته که بر گردن او می‌بینی / دستی است که بر گردن یاری بوده‌ست...» این حسرتی است که نسبت به جوانی، نسبت به زندگی و نسبت به حیات و بیم از مرگ و بیم از اینکه مبادا خبری نباشد، توسط خیام منتقل شده و هنوز هم هست. آن سوز عاشقانه‌ای که بابا طاهر داشته، منتقل شده به این خلایق و هنوز هست. آن روح حماسی که دمیده شده توسط فردوسی، منتقل شده در این مردم. شاعر آیینی اگر در حد تعادل بایستد، بین شعرا و بین مردم، می‌شود محتشم کاشانی، می‌شود عمان سامانی. اما اگر رو کند به مردم، می‌شود مرحوم آقاسی.

## «حسین قزایی» نویسنده و مدیرکل روابط عمومی صدا و سیما:

آقاسی دست شعر را می‌گیرد و آن را بین مردم می‌برد و فاصله شعر و مردم را کم می‌کند. به آقاسی با جرات می‌توان شاعر مردمی اطلاق کرد. او بیشترین اشعارش را در قالب مثنوی سروده، اما در قالب‌های دیگر هم شعر دارد، مثل غزل، چهارپاره، دوبیتی و حتی در قالب ترانه، طبع‌آزمایی کرده است. در اشعار آقاسی چیزی است که من به آن می‌گویم شاعر-رسانه. یعنی طریقه شعرخوانی‌اش خلاف‌آمد عادت بود. نوع پوشش‌اش، موهای‌اش، استفاده از حرکات دست و سر، مکت کردن روی واژه‌های خاص و بالا و پایین آوردن صدا در بزنگاه‌های شعرخوانی از او شاعری ساخته بود که با قافیه، قیافه نمی‌گرفت.